

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کریس هجز
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۹ جنوری ۲۰۲۵

نمایش مضحک آتش بس



اسرائیل با نهایت بی‌اعتنائی و بدبینی عمل می‌کند. این کشور توافقاتی مرحله‌ای با فلسطینی‌ها امضاء می‌کند که به او اجازه می‌دهد فوراً به خواسته‌هایش دست یابد و سپس هر یک از مراحل بعدی توافق را نقض کرده و حملات نظامی خود را از سر می‌گیرد.

دهه‌هاست که اسرائیل این بازی دوگانه را انجام می‌دهد. ابتداء با فلسطینی‌ها توافقی را که قرار است به‌صورت مرحله‌ای اجراء شود امضاء می‌کند. مرحله اول معمولاً آنچه را که اسرائیل می‌خواهد در این مورد آزادی گروگان‌های اسیر در غزه - به او می‌دهد، اما اسرائیل به‌طور معمول مراحل بعدی که به صلحی عادلانه و برابر منجر می‌شوند را اجراء نمی‌کند. سپس با حملات بی‌رویه فلسطینی‌ها را تحریک به پاسخ‌گویی می‌کند، پاسخ آن‌ها را به‌عنوان یک تحریک تعریف کرده و توافق آتش‌بس را لغو می‌کند تا کشتار را از سر بگیرد.

اگر این آتش‌بس سه‌مرحله‌ای اخیر تأیید شود - که هیچ تضمینی برای انجام آن توسط اسرائیل وجود ندارد - گمان می‌کنم که این آتش‌بس چیزی بیش از وقفه‌ای در بمباران‌ها برای مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری [ترمپ] نباشد. اسرائیل هیچ قصدی برای متوقف کردن این چرخه مرگبار ندارد.

هیأت وزیران اسرائیل رأی‌گیری درباره پیشنهاد آتش‌بس را به تعویق انداخته است و در عین حال به بمباران غزه ادامه می‌دهد. حداقل ۸۴ فلسطینی در ۴۸ ساعت گذشته کشته شده‌اند.

صبح پس از اعلام آتش‌بس، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، حماس را به نقض جزئی توافق متهم کرد و گفت که این گروه به دنبال «کسب امتیازات لحظه آخری» است. او هوشدار داد که دولتش تا زمانی که میانجی‌ها به اسرائیل اعلام نکنند که حماس تمامی شرایط توافق را پذیرفته، جلسهای برگزار نخواهد کرد. اما حماس این اتهامات را رد کرده و بر پابندی خود به توافق آتش‌بس که با میانجی‌گری حاصل شده تأکید کرد.

این توافق به سه مرحله تقسیم شده است. در مرحله اول، که ۴۲ روز به طول می‌انجامد، درگیری‌ها متوقف می‌شوند. حماس برخی از گروگان‌ها -۳۳ اسرائیلی که در ۷ اکتوبر دستگیر شده‌اند، از جمله پنج زن باقی‌مانده، افراد بالای ۵۰ سال و بیماران- را در مقابل آزادی حداکثر ۱۰۰۰ فلسطینی زندانی در اسرائیل آزاد خواهد کرد.

ارتش اسرائیل در اولین روز آتش‌بس از مناطق مسکونی نوار غزه عقب‌نشینی می‌کند. در روز هفتم، افراد آواره می‌توانند به شمال غزه بازگردند. اسرائیل اجازه خواهد داد روزانه ۶۰۰ کامیون کمک‌های بشردوستانه وارد غزه شوند. مرحله دوم، که از روز شانزدهم آتش‌بس آغاز می‌شود، شامل آزادی باقی‌مانده گروگان‌ها است. اسرائیل باید در این مرحله خروج خود از غزه را تکمیل کند، اگرچه در برخی از نقاط گذرگاه فیلادلفیا، که در امتداد ۱۲ کیلومتر مرز غزه و مصر قرار دارد، حضور خود را حفظ خواهد کرد.

در مرحله سوم، مذاکرات برای پایان دائمی جنگ باید آغاز شود.

اما به نظر می‌رسد که کابینه نتانیاهو پیش از این توافق را نقض کرده است. این کابینه بیانیه‌ای صادر کرده که در آن از عقب‌نشینی نیروها از گذرگاه فیلادلفیا در ۴۲ روز نخست آتش‌بس امتناع می‌ورزد -«به‌صورت عملی اسرائیل در گذرگاه فیلادلفیا تا اطلاع ثانوی باقی خواهد ماند»- و در عین حال ادعا می‌کند که فلسطینی‌ها سعی در نقض توافق دارند. در مذاکرات متعدد آتش‌بس، فلسطینی‌ها خواستار خروج نیروهای اسرائیلی از غزه شده‌اند. مصر نیز اشغال گذرگاه‌های مرزی خود توسط اسرائیل را محکوم کرده است.

حتی اگر اسرائیلی‌ها سرانجام این توافق را بپذیرند، اختلافات عمیق میان اسرائیل و حماس آن را تهدید به شکست می‌کند. حماس به دنبال یک آتش‌بس دائمی است، اما سیاست اسرائیل به‌طور واضح بر «حق» این کشور برای مداخله نظامی مجدد تأکید دارد. هیچ اجماعی درباره اداره غزه وجود ندارد. اسرائیل به‌صراحت اعلام کرده که باقی‌ماندن حماس در قدرت غیرقابل قبول است. همچنین در این توافق اشاره‌ای به وضعیت اژانس امدادسانی و کارپایی سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنروا) که توسط اسرائیل غیرقانونی اعلام شده و عمده کمک‌های بشردوستانه به فلسطینی‌ها را فراهم می‌کند نشده است؛ فلسطینی‌هایی که ۹۵ درصد آن‌ها آواره شده‌اند. هیچ توافقی درباره بازسازی غزه، که به تلی از ویرانه تبدیل شده، وجود ندارد. و البته هیچ راهی در این توافق برای دستیابی به یک دولت مستقل و حاکم فلسطینی در نظر گرفته نشده است.

دروغ‌پردازی و بازی‌های فریبکارانه اسرائیل بشدت قابل پیش‌بینی است.

توافقات کمپ دیوید (که در سال ۱۹۷۹ توسط انور سادات رئیس‌جمهور مصر و مناخم بگین نخست‌وزیر اسرائیل، با مشارکت سازمان آزادی‌بخش فلسطین امضاء شد) به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک میان اسرائیل و مصر انجامید. اما مراحل بعدی، از جمله وعده اسرائیل برای حل مسئله فلسطین با مشارکت اردن و مصر، اجازه به خودمختاری در کرانه باختری و غزه ظرف پنج سال و پایان دادن به ساخت شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، هرگز محقق نشدند.

نمونه دیگر، توافقات اسلو است. توافقی که در سال ۱۹۹۳ امضاء شد و در آن سازمان آزادی‌بخش فلسطین حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت و اسرائیل نیز این سازمان را به‌عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین پذیرفت؛ یا

اسلو II که در سال ۱۹۹۵ امضاء شد و مسیر دستیابی به صلح و ایجاد یک دولت فلسطینی را مشخص کرد. هر دو توافق از ابتداء محکوم به شکست بودند. اسلو II تصریح کرده بود که هرگونه بحث درباره شهرک‌های غیرقانونی یهودی‌نشین باید تا مذاکرات مربوط به وضعیت «نهائی» به تعویق بیفتد، زمانی که قرار بود خروج نظامی اسرائیل از کرانه باختری اشغالی تکمیل شده باشد. اختیارات حکومتی باید از اسرائیل به مقام‌های فلسطینی منتقل می‌شد. اما کرانه باختری به سه منطقه A، B و C تقسیم شد و مقام‌های فلسطینی تنها در مناطق A و B اختیارات محدودی دارند، در حالی که اسرائیل بیش از ۶۰ درصد کرانه باختری (منطقه C) را تحت کنترل خود نگه داشت.

رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف)، یاسر عرفات، از حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین‌های تاریخی‌شان که در سال ۱۹۴۸ با تأسیس اسرائیل از آن‌ها گرفته شد، چشم‌پوشی کرد؛ حقی که در قوانین بین‌المللی تضمین شده است. این اقدام بسیاری از فلسطینی‌ها را، به‌ویژه در غزه که ۷۵ درصد از جمعیت آن آواره یا فرزندان آوارگان هستند، به حاشیه راند. ادوارد سعید توافقتنامه اسلو را «ابزار تسلیم فلسطینی‌ها، یک ورسای فلسطینی» خواند و از عرفات به‌عنوان «پتن فلسطینی‌ها» انتقاد کرد.

عقب‌نشینی نظامی اسرائیل که در توافقتنامه‌های اسلو پیش‌بینی شده بود، هرگز عملی نشد. این توافق موقت هیچ‌گونه تدبیری برای پایان دادن به شهرک‌سازی‌های یهودی در نظر نگرفت، بلکه تنها انجام «اقدامات یک‌جانبه» را ممنوع کرد. با این حال، در زمان امضای توافقتنامه‌های اسلو، حدود ۲۵۰ هزار شهرک‌نشین یهودی در کرانه باختری وجود داشت و اکنون این تعداد به بیش از ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. هیچ‌گاه معاهده نهائی نیز به سرانجام نرسید.

رابرت فیسک، روزنامه‌نگار برجسته، اسلو را «یک فریب، یک دروغ، یک حيله برای درگیر کردن عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و مجبور کردن آن‌ها به رها کردن هر آنچه که برای آن جنگیده بودند» توصیف کرد و آن را «روشی برای ایجاد امیدهای واهی به‌منظور خنثی کردن آرزوی تشکیل یک دولت» خواند.

اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل و امضاءکننده توافقتنامه اسلو، در تاریخ ۴ نومبر ۱۹۹۵ توسط «یگال امیر»، یک دانشجوی راست‌گرای افراطی، پس از برگزاری یک تجمع در حمایت از این توافق ترور شد. ایتمار بن‌گوریر، که اکنون وزیر امنیت ملی اسرائیل است، یکی از سیاستمداران راست‌گرائی بود که علیه رابین تهدیدهای مطرح کرد. «لیا»، همسر رابین، مرگ او را نتیجه تحریکات بنیامین نتانیاها و حامیانش دانست، کسانی که در تجمعات سیاسی بروشورهای پخش می‌کردند که رابین را با یونیفرم نازی نشان می‌دادند.

از آن زمان تاکنون، اسرائیل مجموعه‌ای از حملات مرگبار علیه غزه انجام داده و این حملات را با بی‌رحمی «چمن‌زنی» نامیده است. این حملات، که ده‌ها کشته و زخمی برجای گذاشته و زیرساخت‌های شکننده غزه را بیش‌ازپیش تخریب کرده‌اند، نام‌هایی مانند «عملیات رنگین‌کمان» (۲۰۰۴)، «عملیات روزهای توبه» (۲۰۰۴)، «عملیات باران‌های تابستانی» (۲۰۰۶)، «عملیات ابرهای پائیزی» (۲۰۰۶) و «عملیات زمستان گرم» (۲۰۰۸) داشته‌اند.

اسرائیل توافق آتش‌بس ماه جون ۲۰۰۸ با حماس که با میانجی‌گری مصر به‌دست آمد را نقض کرد و با انجام یک حمله مرزی شش عضو حماس را به قتل رساند. این حمله، که هدف آن تحریک حماس بود، باعث شد حماس با شلیک راکت و خمپاره پاسخ دهد. این اقدام حماس بهانه‌ای برای یک حمله گسترده اسرائیلی فراهم کرد. اسرائیل، مانند همیشه، حمله نظامی خود را با استناد به «حق دفاع از خود» توجیه کرد.

در «عملیات سرب گداخته» (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، اسرائیل یک حمله هوایی و زمینی ۲۲ روزه انجام داد و بیش از ۱۰۰۰ تن مواد منفجره بر غزه ریخت. طبق گزارش گروه حقوق بشری اسرائیلی «بتسلم»، این حمله ۱۳۸۵ کشته بر جای

گذاشت که دستکم ۷۶۲ نفر از آن‌ها غیرنظامی بودند، از جمله ۳۰۰ کودک. در همین دوره، چهار اسرائیلی بر اثر راکت‌های حماس کشته شدند و ۹ سرباز اسرائیلی در غزه جان باختند که چهار نفر از آن‌ها قربانی «آتش خودی» بودند. روزنامه اسرائیلی «هآرتص» بعدها گزارش داد که «عملیات سرب گداخته» شش ماه پیش از اجرا برنامهریزی شده بود.

آوی شلایم، تاریخ‌دان اسرائیلی که در ارتش این کشور خدمت کرده، نوشت:

«...بی‌رحمی سربازان اسرائیلی هم‌سنگ دروغ‌های سخنگویان آن‌هاست... تبلیغات آن‌ها مجموعه‌ای از دروغ هاست... نه حماس، بلکه نیروهای دفاعی اسرائیل بودند که آتش‌بس را شکستند... زمانی که در ۴ نومبر به غزه حمله کرده و شش عضو حماس را کشتند. هدف اسرائیل تنها دفاع از جمعیتش نبود، بلکه سرنگونی دولت حماس در غزه با تحریک مردم علیه رهبران‌شان بود.»

پس از این حملات، عملیات‌های دیگری نیز انجام شد، از جمله «عملیات ستون ابر» در نومبر ۲۰۱۲ و «عملیات لبه حفاظتی» در جولای و اگست ۲۰۱۴، که یک کارزار هفت‌هفته‌ای بود و منجر به کشته شدن ۲۲۵۱ فلسطینی و ۷۳ اسرائیلی (از جمله ۶۷ سرباز) شد.

این حملات ارتش اسرائیل در سال ۲۰۱۸ با اعتراضات صلح‌آمیز و گسترده فلسطینی‌ها، موسوم به «راهپیمائی بزرگ بازگشت» همراه شد که در امتداد حصار مرزی غزه برگزار شد. بیش از ۲۶۶ فلسطینی توسط تکتیراندازهای اسرائیلی کشته و بیش از ۳۰ هزار نفر زخمی شدند. در ماه مه ۲۰۲۱، اسرائیل بیش از ۲۵۶ فلسطینی را در غزه به قتل رساند که پس از حملات پولیس اسرائیل به نمازگزاران فلسطینی در محوطه مسجدالاقصی در قدس رخ داد. در اپریل ۲۰۲۳، حملات مشابهی علیه نمازگزاران در همان مسجد انجام شد.

و سپس، در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، فلسطینی‌ها موانع امنیتی غزه را که آنان را به مدت بیش از ۱۶ سال در یک زندان روباز تحت محاصره نگه داشته بود، شکستند. مهاجمان فلسطینی حدود ۱۲۰۰ اسرائیلی را کشتند - از جمله صدها نفر که توسط خود اسرائیل کشته شدند - و به اسرائیل بهانه‌ای دادند که مدت‌ها برای نابودی غزه به دنبال آن بود، با آغاز «عملیات شمشیرهای آهنین»

این داستان وحشتناک هنوز پایان نیافته است. اهداف اسرائیل همچنان همان است: پاکسازی فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان. این آتش‌بس پیشنهادی نیز چیزی جز فصل دیگری از این نمایش مضحک نیست. راه‌های زیادی برای فروپاشی آن وجود دارد و من گمان می‌کنم که چنین خواهد شد.

اما دستکم در این لحظه، بیایید دعا کنیم که این کشتار عظیم متوقف شود.

کریس هج یک روزنامه‌نگار امریکائی برنده جایزه پولیتزر است. او به مدت ۱۵ سال به‌عنوان خبرنگار خارجی برای روزنامه «نیویورک تایمز» فعالیت داشت و ریاست دفاتر خاورمیانه و بالکان این روزنامه را بر عهده داشت.

۱۸ جنوری ۲۰۲۵